

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال نوزدهم، شماره هفتادوششم

زمستان ۱۳۹۷

بایسته‌های هم‌گرایی ژرف نگر در باب تاریخ‌نگاری روایی امامیه

پاسخ به مقاله «بررسی انتقادی مقاله بررسی تحلیلی تاریخ‌نگاری روایی امامیه تا نیمه قرن پنجم»*

تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۱۵

روح الله توحیدی نیا^۱

واکاوی مقاله «بررسی انتقادی مقاله بررسی تحلیلی تاریخ‌نگاری روایی امامیه تا نیمه قرن پنجم» که در این شماره از فصل‌نامه تاریخ اسلام به چاپ رسیده است، نشان می‌دهد، حدود پنجاه مورد از نسبت‌هایی که به مقاله «بررسی تحلیلی تاریخ‌نگاری روایی امامیه تا نیمه قرن پنجم» داده شده است، با واقعیت سازگار نیست و بسیاری از اشکال‌هایی که بیان شده است، ریشه در پیش‌داوری‌های حاکم بر مقاله نقد دارد و در نتیجه تقریری متفاوت از مفاد مقاله اصلی دارد. با این وجود، برخی اشکال‌ها درباره استناد، ارجاع و دلالت یکی از شواهد پذیرفتنی است. با توجه به آورده‌های این نقد، اکنون با اطمینان بیشتری

*. فصل‌نامه تاریخ اسلام بر اساس وظایف و مأموریت خود در چارچوب ضوابط و محدودیت‌های یک فصل‌نامه پژوهشی از نقد و آزاد اندیشی استقبال می‌کند. انتشار نقد مقاله «بررسی تحلیلی تاریخ‌نگاری روایی امامیه تا نیمه قرن پنجم» و پاسخ آن که پیش از انتشار به اطلاع منتقد محترم رسانده شده است در این چارچوب صورت می‌گیرد. طبیعی است با توجه به محدودیت‌های فصل‌نامه، ادامه این نقدها و پاسخ‌ها به این صورت ممکن نیست ولی فصل‌نامه از دریافت مقالات مستقل در این زمینه استقبال می‌کند.

۱. دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری دانشگاه تهران (roholahtohidi@yahoo.com).

می‌توان درباره ماهیت متفاوت تاریخ‌نگاری روایی امامیه سخن گفت. هم‌سویی پژوهش‌گران در باور به ضرورت بررسی عمیق تأثیر روش و رویکرد محدثان بر آثار تاریخی آنها می‌تواند گامی رو به جلو برای دست‌یابی به نقطه کانونی مقاله اصلی و اهداف علمی مطرح در آن باشد.

کلیدواژگان: تاریخ‌نگاری شیعه، تاریخ‌نگاری روایی، محدثان شیعه، نقد متن.

مقدمه

اهتمام به نقد خردمندان و تضارب آرا، هدیه‌ای نفیس برای دانش‌جویان است و پیشرفت علم را به دنبال دارد. از این رو، پیش از ورود به بحث، لازم می‌دانم از نویسندگان محترم مقاله نقد و سردبیر دانشمند فصل‌نامه تاریخ اسلام به سبب فراهم آوردن فرصت بازپژوهی درباره موضوعی مهم تشکر نمایم. مقاله حاضر در مقام پاسخ به نقد چاپ شده در این شماره از فصل‌نامه در سه بخش کلی تنظیم می‌شود و به ارائه‌نمایی کلی از مقاله اصلی^۱، نسبت‌های ناسازگار مطرح شده از سوی مقاله نقد، پیش‌داوری‌های محوری و چهار نکته جزئی پذیرفتنی این مقاله برای تکمیل مقاله اصلی می‌پردازد.

الف. نمایی از طرح تاریخ‌نگاری روایی امامیه^۲

موضوع مقاله اصلی، نقش رویکرد و روش محدثان در نگارش آثار مربوط به تاریخ و سیره ائمه علیهم‌السلام، مسیر دنبال شده ارزیابی برخی گزاره‌های تاریخ‌نگاری روایی امامیه در

۱. در نوشته پیش رو به جهت اختصار از مقاله بررسی تحلیلی تاریخ‌نگاری روایی امامیه تا نیمه قرن پنجم با عنوان مقاله اصلی و از مقاله بررسی انتقادی مقاله بررسی تحلیلی تاریخ‌نگاری روایی امامیه تا نیمه قرن پنجم با عبارت مقاله نقد یاد می‌شود.

۲. روح الله توحیدی‌نیا و نعمت‌الله صفری فروشانی، «بررسی تحلیلی تاریخ‌نگاری روایی امامیه تا نیمه قرن پنجم»، فصلنامه تاریخ اسلام، ش ۶۴، زمستان ۱۳۹۴، ص ۷، ۸، ۲۸.

قالب نقد درونی و برونی و هدف تسلط بیشتر محققان به ابعاد تاریخ ائمه علیهم السلام در منابع حدیثی شیعه به منظور شناسایی سره از ناسره در این متون بود.

بر این اساس تلاش شد، پس از تأکید بر ۱. هوش‌مندانه و هدف‌مند بودن تاریخ‌نگاری محدثان بزرگ شیعه بر اساس شرایط عصر زندگی ایشان؛ ۲. اهمیت بسیار آثار آنان به دلیل ضرورت الگوگیری از منابع در موضوعاتی چون سبک زندگی اسلامی و ۳. تفکیک آثار محدثان بزرگ شیعه و غیر آنها از جهت میزان پای‌بندی به راستی آزمایشی اخبار، برخی ویژگی‌های شایع و نه قابل پی‌گیری در تمامی اخبار یا منابع و برخی کاستی‌ها و محاسن این منابع با رویکردی علمی و طرحی مستدل معرفی گردد.

نوآوری مقاله اصلی، دسته‌بندی ویژگی‌های شایع در تاریخ‌نگاری روایی امامیه، شناسایی چگونگی صورت‌بندی آنها در گزاره‌های تاریخی، بررسی تأثیرشان بر خوانش ما از تاریخ و سیره ائمه علیهم السلام، بررسی نمونه‌ها و تطبیق اخبار یا تحلیل آنها بر اساس مطالعه بین‌رشته‌ای به معنای بهره‌بردن از اصول و قواعد تاریخ‌شناسی، حدیث‌شناسی، علم رجال و علم کلام بود.

نتیجه تحقیق نشان داد که فضای فکری، اجتماعی و سیاسی شکل‌گیری تاریخ‌نگاری روایی امامیه سبب ماهیت متفاوت آن شده است و تأثیر انگیزه‌ها و روش‌های محدثان از جهت کمی و کیفی بر آثار سایه افکنده است. از این رو محققان برای بهره‌مندی از این آثار باید اقداماتی در جهت جبران کم‌یاب بودن نقد و تحلیل، کم‌توجهی در شناخت راوی و سند، منزوی شدن مبانی علوم دیگر، تمرکز بر مصرف داخلی و انواع سبک‌ها را در دستور کار خویش قرار دهند.

تأمل و تحقیق بیشتر درباره ویژگی‌های یاد شده و مطالعات کمی و کیفی در راستای شناخت این میراث، راهی حیاتی اما پیموده نشده است که بیش از هر چیز برای آنان که در جست‌وجوی دستیابی به سیره حقیقی امامان معصوم علیهم السلام هستند، هم‌گرایی ژرف‌نگرانه‌تری را می‌طلبد.

ب. نسبت‌های ناسازگار با متن اصلی در مقاله نقد

مرور مقاله نقد نشان می‌دهد که در بیش از پنجاه مورد، نسبت‌های داده شده به نویسندگان مقاله اصلی خلاف واقع است. ده مورد، متن مقاله اصلی با حذف و اضافه منعکس شده است. دوازده مورد، احکام جزئی در مقاله اصلی، به مثابه احکام کلی طرح شده است. بیست مورد، اشکال‌هایی مطرح شده است که خلاف صریح متن مقاله اصلی هستند.

بخش‌های مربوط به فرضیه تحقیق و ضرورت تحقیق به نوعی تحریف گردیده است و در سه مورد، عنوان‌های فرعی مقاله اصلی از جمله‌ها حذف شده است. در سه مورد آنچه در مدح محدثان شیعه در مقاله اصلی آمده است از ابتدا یا وسط جمله‌ها کنار گذاشته شده است.

برخلاف متن اصلی در هفت مورد، نسبت‌هایی را که خلاف شأن و جایگاه محدثان شیعه است، از جانب مقاله اصلی به آنان نسبت داده شده است. چهار مورد، مفاهیم اصلی یا فرعی مقاله اصلی به صورت نادرست نقل شده است و یا به کار رفته است. یک مورد، نقل عبارت رجال نجاشی در مقاله نقد، خلاف واقع است.

طرح سه نکته پیش از پرداختن به مقایسه متون ضروری است. نخست آن که اشکال‌های ناقدان محترم بر مقاله اصلی، مبتنی بر تقریری همراه با موارد یاد شده است و به طور طبیعی دلیلی برای مواجهه با اشکال‌ها پرتعدادی که از اساس مربوط به متن مقاله اصلی نیست، وجود ندارد.

دیگر آن که درک وسعت ناسازگاری نسبت‌ها، نیازمند دقت است و تأثیر این نسبت‌ها در برخی موارد، تنها با مراجعه به بخش‌هایی از قبل و بعد متون ارائه شده در جدول‌های پیش رو و اصل متون روشن می‌شود؛ زیرا به طور طبیعی امکان نقل تمامی بخش‌ها وجود نداشته است و تنها به بخش‌های کلیدی منسوب اشاره می‌شود.

لازم به یادآوری است، آنچه در جدول‌ها به عنوان متن مقاله نقد نوشته می‌شود، در همه موارد به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به نوعی به وسیله ناقدان طرح شده است که گویا عین متن مقاله اصلی است. در ادامه به موارد یاد شده به طور تفصیلی می‌پردازیم.

۱. مواردی که در مقاله نقد با حذف یا اضافه متن مقاله اصلی، به نقد برداشت ناصحیح از مقاله اصلی پرداخته شده است.

الف. مواردی که در مقاله نقد ادعا شده است، مقاله اصلی به کلی گویی پرداخته است در حالی که مقاله اصلی با قید جزئی بوده است.

عنوان	عبارت مقاله نقد	صفحه	عبارت مقاله اصلی (موارد جابه جا شده یا حذف شده با خط مشخص شده است)
ضعف در رتبه بندی و معرفی منابع تاریخی و...	محدثان برای تأیید وثاقت افراد از قواعدی با مفاهیم اعتمادآفرین استفاده کرده اند، که این اقدام از هیچ پشتوانه علمی و منطقی برخوردار نیست.	۱۶	در برخی موارد محدثان برای تأیید وثاقت افراد از قواعدی با مفاهیم اعتمادآفرین استفاده کرده اند، که این اقدام از هیچ پشتوانه علمی و منطقی برخوردار نیست.
ضعف در رتبه بندی و معرفی منابع تاریخی و...	تاریخ نگاران روایی با جمع‌آوری منقولات موجود درباره معجزات و مطالب شگفت‌انگیز درباره ائمه <small>علیهم‌السلام</small> به دنبال آن بوده اند تا با مطالب مشابه در فرق دیگر هم‌آوردی کنند.	۲۳	در برخی موارد دیده می‌شود که تاریخ نگاران روایی با جمع‌آوری منقولات موجود درباره معجزات و مطالب شگفت‌انگیز درباره ائمه <small>علیهم‌السلام</small> به دنبال آن بوده اند تا با مطالب مشابه در فرق دیگر هم‌آوردی کنند.

ب. مواردی که ویژگی‌های مثبت فعالیت محدثان که در مقاله اصلی بیان شده است، در مقاله نقد سانسور گردیده است.

عنوان	جمله ناقص نقل شده در مقاله نقد که به مقاله اصلی ارجاع داده شده است	صفحه	جمله کامل مقاله اصلی (مواردی که در مقاله نقد از جمله اصلی حذف کرده اند با خط نشان داده شده است)
مقدمه	این اثر مقدمه ای برای آشکار نمودن غنای گزاره‌های تاریخی موجود در این کتب و فراگیری بیشتر آنها در مجامع علمی است.	۱۲	شایان ذکر است که در نقش بی‌بدیل این میراث در حفظ و شکوفایی مکتب تشیع شکی نیست و نوشته حاضر، مقدمه‌ای برای آشکار نمودن غنای گزاره‌های تاریخی موجود در این کتب و فراگیری بیشتر آنها در مجامع علمی خواهد بود.
ضعف در معرفی مقام و کرامات اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small>	نیازی به ذکر معجزات انبوهی نیست که تنها برای عوام جامعه جذابیت دارد و با حفظ ناموس قوانین الهی مغایرت دارد یا به دلیل ارائه چهره ای ماورایی، بر نفس‌الگوپذیری از ائمه <small>علیهم‌السلام</small> خدشه وارد می‌کند. (نکته: دو بخش از جملات مختلف گزینش و به هم اضافه	۲۲ و ۲۳	از طرفی دست‌یابی به جایگاه حقیقی ائمه <small>علیهم‌السلام</small> ، با بررسی ابعاد علمی و عملی آنان، بر هر فرهیخته‌ای نمایان می‌شود و نیازی به ذکر معجزات «انبوهی» نیست که تنها برای عوام جامعه جذابیت دارد و با حفظ ناموس قوانین الهی مغایرت دارد. از سوی دیگر در بسیاری موارد به دلیل نزدیکی ساختار برخی از معجزات به سحر و شعبده و عدم ادراک تفاوت معجزات با این نوع اقدامات برای عوام، نوعی نقض غرض به شمار می‌رود و یا به

دلیل ارائه چهره‌های ماورایی، بر نفس الگوپذیری از ائمه <small>علیهم‌السلام</small> خدشه وارد می‌کند.		شده است)	
---	--	----------	--

ج. مواردی که در مقاله نقد پس از تغییر در عنوان‌های اصلی یا فرعی مقاله اصلی، به

نقد آن پرداخته شده است.

عنوان	عبارت نسبت داده شده در مقاله نقد	صفحه	عبارت مقاله اصلی
مقدمه	محدثان شیعه در نگارش مباحث تاریخی که <u>بیشتر ناظر به سیره و فضائل است.</u>	-	این عبارت در هیچ یک از عناوین وجود ندارد؛ ولی مربوط به عناوین دانسته شده است.
مقدمه	<u>تمام توجه</u> محدثان به جامعه درونی امامیه بوده است.	۲۲ و ۲۳	در عنوان ذکر شده در مقاله اصلی آورده شده « <u>توجه بیشتر</u> به جامعه درون امامی» که به «تمام توجه» تحریف شده است.
مقدمه	ادعای برخورد دو گانه <u>شیعه</u> با منابع اهل سنت		این در حالی است که در نوشته اصلی چنین عبارت کلی وجود ندارد و مقاله اصلی به برخورد دوگانه در « <u>برخی گزاره‌های تاریخ</u> نگاری روایی امامیه» می‌پردازد.

د. موردی که در مقاله نقد عبارت منبع رجالی، ناقص ترجمه گردیده است و با ارائه

برداشت ناتمام از آن، به نقد مقاله اصلی پرداخته شده است.

عنوان	عبارت نقل شده در مقاله نقد	صفحه	عبارت اصلی مورد ارجاع مقاله اصلی
ضعف در شخصیت شناسی راویان	تنها در صفحه ۳۹۶ رجال نجاشی، از ابوالفضل یاد شده است که برخی او را تضعیف کرده اند.	۱۵	عبارت نجاشی « <u>اجل اصحابنا یغمزونه و یضعفونه</u> » است و نه

«برخی». عبارت مهمی که تنها در مورد شخص یاد شده از سوی نجاشی استفاده شده است.			
--	--	--	--

۲. عباراتی که در مقاله نقد به صورت اشکال یا مسئله در مقاله اصلی مطرح شده است، اما مراجعه به مقاله اصلی نشان می‌دهد که چنین انتسابی، خلاف صریح متن مقاله اصلی است.

عبارت مقاله اصلی (موارد جابه جا شده یا حذف شده با خط مشخص شده است)	صفحه	عبارت مقاله نقد	عنوان
مقصود آن نیست که اهل قم با هر گونه استدلال عقلی برای اثبات یا حل موضوعات دینی و مذهبی مخالف بودند؛ بلکه شیوه محافظه کارانه و سنت‌گرای حدیثی سبب شد تا مبانی علوم دیگر به نوعی در انزوا قرار گیرد.	۱۵	معنای لغوی محافظه‌کاری روشن است، اما آنچه فهم به کارگیری آن درباره محدثان را دشوار می‌کند، استفاده آن در کنار مخالفت قمی‌ها با استدلال عقلی، برای اثبات یا حل موضوعات دینی است.	تاریخ‌نگاری روایی و دیگر مفاهیم
از آن جا که در موارد قابل توجهی، اصول نقد خبر مورد توجه آنان بوده است، نمی‌توان تمام گزاره‌های تاریخی نقل شده از محدثان امامیه را	۹	مقاله در ادامه دو اصطلاح وقایع‌نگاری را معادل تاریخ‌نگاری روایی قلمداد کرده است، که البته این تعریف مخالف اصطلاح مشهور است.	خلط مفاهیم

غیرعلمی، و به عبارتی وقایع‌نگاری، دانست.			
بررسی سند این خبر حاکی از آن است که ابوالجارود زیدی <u>ناقل حدیث</u> بوده است.	۱۸	روایتی از کتاب الارشاد بیان شده که به جای <u>نقد سندی</u> ، <u>نقد محتوایی</u> لحاظ شده است.	عدم تناسب عناوین با شواهد
در خبری دیگر، وقتی از نامی <u>پرتکرار</u> در اسناد اخبار پرسیده می‌شود، <u>راوی</u> پاسخ می‌دهد که وی مردی بود که از آسمان <u>فرود آمد</u> و پس از <u>نقل احادیثی</u> به آسمان بازگشت. (بنابراین بحث مربوط به سند است)	۱۹	مقاله در این باره به <u>نقد خبری</u> در کتابی رجالی پرداخته است که علاوه بر <u>خروج از موضوع نقد سندی</u> ، <u>خروج از موضوع</u> مقاله است.	ضعف در شخصیت‌شناسی راویان
شاید به همین دلیل، <u>محدثان در بیشتر نگارش‌های خود</u> ، بر صحت تمامی روایات مندرج در آثارشان تأکید ندارند.	۱۴	چنان‌که (در مقاله اصلی) آمده است <u>محدثان بر صحت تمامی مندرجات کتابهای خویش تأکید ندارند</u> .	ضعف در منبع‌شناسی و تبیین تاریخ‌نگاری روایی
در برخی موارد به <u>صرف سنی بودن راوی</u> ، خبرش کنار گذاشته شده است و در مقابل، اگر سخنی در تأیید مبانی کلامی امامیه نقل کرده باشد آن را ذکر کرده‌اند.	۲۰	آنان (محدثان شیعه) از منابع اهل سنت در تأیید مبانی کلامی خود بهره می‌برند و در مواردی که در تعارض با مبانی کلامی است، روایتی از ایشان نقل نمی‌کنند.	ادعای برخورد دوگانه شیعه با منابع اهل سنت

<p>این درحالی است که پیش از ورود به بخش‌های مقاله این عبارت آمده است:</p> <p>ص ۱۱: نتیجه بررسی‌های انجام شده، مربوط به <u>برخی</u> منابع تاریخ‌نگاری روایی است.</p> <p>ص ۱۲: ویژگی‌های ذکر شده <u>عام نیست</u>، اما شیوع دارد.</p>	<p>۱۱ و ۱۲</p>	<p>مطالعه عناوین بخش‌های مقاله، چنین تصویری را به خواننده می‌نمایاند: ... <u>محدثان شیعه</u> (به طور عام) ... دارای انگیزه و رویکرد خاصی معرفی شده‌اند. آنان ... می‌دادند و ... بی‌توجه بوده‌اند... <u>محدثان</u> ... بی‌توجه و متسامح بوده ... و بر... تکیه داشته‌اند.</p>	<p>مقدمه</p>
<p>ص ۹: مقاله به بحث از <u>تاریخ‌نگاری روایی امامیه</u> می‌پردازد (نه منابع حدیثی).</p> <p>ص ۱۱: به <u>برخی</u> از منابع این نوع تاریخ‌نگاری می‌پردازد.</p> <p>ص ۱۱: تاریخ‌نگاری روایی از جهت توجه به راستی آزمایی یکسان نبوده و فعالیت <u>محدثان بزرگ شیعه</u> در مقاله تفکیک شده و در رتبه دیگری قرار گرفته است.</p> <p>ص ۱۱: نتیجه بررسی‌های انجام شده مربوط به <u>برخی</u> منابع تاریخ‌نگاری روایی است.</p>	<p>-</p>	<p>با توجه به عناوین بخش‌های مقاله خواننده به این نتیجه می‌رسد که منابع حدیثی شیعه، سرشار از کاستی و ضعف بوده‌اند.</p>	<p>مقدمه</p>

ص ۱۲: ویژگی‌های ذکر شده <u>عام نیست</u> اما شیوع دارد.			
این درحالی است که در عبارتی کاملاً متضاد آنچه منفعلانه خوانده شده، آمده است: علمای امامیه در واکنش به شرایط پیش آمده در این مقطع مهم تاریخی <u>ثابت و ترویج اخبار اهل بیت: را در اولویت کار خود قرار دادند</u> تا به نیاز و پرسش شیعیان درباره چگونگی حیات فکری و عملی در دوره غیبت پاسخ دهند (پس کاملاً تیزبینانه و به موقع بوده است). اما این اقدام حیات بخش پی آمدهایی نیز به دنبال داشت.	۱۳	با توجه به عنایون بخش‌های مقاله خواننده به این نتیجه می‌رسد که... (۱) <u>محدثان شیعه، انسان‌هایی منفعل یا متأثر از محیط پیرامون، با نگاه تنگ نظرانه منحصر به جامعه درونی خود (بوده اند).</u>	مقدمه
این درحالی است که در عبارتی کاملاً متضاد آنچه نا آشنا با تاریخ خوانده شده، آمده است: اگر تاریخ نگاری، رویکرد علمی مورخ به داده های تاریخی بر مبنای دانش تاریخ و	۹	... (محدثان شیعه) (۲) <u>نا آشنا با تاریخ و روش پژوهش در آن بوده اند.</u>	مقدمه

<p>اصول نقد گزاره‌های تاریخی دانسته شود... به این اعتبار تاریخ‌نگاری به عنوان رویکردی علمی و حرفه‌ای در مقابل وقایع‌نگاری که رویکردی غیرعلمی و غیرحرفه‌ای است قرار می‌گیرد... از آن جا که در موارد قابل توجهی، اصول نقد خبر مورد توجه آنان (محدثان) بوده است، نمی‌توان تمام گزاره‌های تاریخی نقل شده از محدثان امامیه را غیرعلمی، و به عبارتی وقایع‌نگاری، دانست.</p>			
<p>این درحالی است که در عبارتی کاملاً متضاد آنچه بی بهره بودن از قواعد عقلی خواننده شده، آمده است: رویکرد کلی در <u>مکتب حدیثی قم</u> آن بود که ... استفاده از عقل نیز <u>باید حول محور نصوص</u> باشد... البته مقصود آن <u>نیست که اهل قم با هر گونه استدلال عقلی برای</u></p>	۱۴	<p>... (محدثان شیعه) (۳) از قواعد <u>عقلی بی بهره بوده‌اند.</u></p>	مقدمه

<p>اثبات یا حل موضوعات دینی و مذهبی مخالف بودند</p>			
<p>برخلاف آنچه آمده در عبارت مقاله: ۱. روایات بصائر به طور عام نادرست دانسته نشده است. ۲. نقل معجزات در منابع به طور عام به این صفات مطرح شده متصف نگردیده است. ۳. هیچگاه سخن از «غیرمعقول» بودن یا واژه‌ای شبیه آن به میان نیامده است. ۴. آنچه با عنوان «مصرف داخلی» آورده اند در مقاله تنها در مورد یک نفر یعنی برخی روایات «حسین بن عبدالوهاب» آمده است. ۵. هم‌چنین نک عین تعبیر ص ۲۲: نقل معجزات مربوط به نظام تکوین و عالم ماوراء، در کتب مفاخر شیعه چون شیخ کلینی، شیخ صدوق و شیخ مفید بسیار کم تعداد است.</p>	۲۲	<p>روایات بصائرالدرجات و نقل معجزات در منابع شیعی، غیرمعقول و به عنوان مصرف داخلی و پاسخ‌گویی به نیازمندی‌های شیعیان معرفی شده است و تأکید بر آن است که بیان معجزات انبوه، تنها برای عوام جذابیت دارد.</p>	<p>ضعف در معرفی مقام و کرامات اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small></p>

<p>ذیل کمتر از ۵ عنوان از عناوین و ویژگی‌های متعدد مقاله اصلی از اثر هر دو نفر نمونه آورده شده و در ص ۱۱ پیش از ورود به ویژگی‌ها و هم در بخش نتیجه‌گیری تأکید شده که کار امثال شیخ کلینی و خصیبه قابل قیاس نیست.</p>		<p>این در حالی است که در مقاله، از خصیبه در کنار بزرگان امامیه مانند کلینی یاد شده است.</p>	<p>ضعف در منبع‌شناسی و تبیین تاریخ‌نگاری روایی</p>
<p>برای نمونه شیخ صدوق در بین ده‌ها کتاب خود تنها در کتاب من لایحضره الفقیه بر تلاش خود برای ارائه روایات صحیح تلاش می‌کند. (بنابراین برخلاف متن مقاله نقد به عنوان نمونه یک مورد مطرح شده است که: یک محدث بزرگ تنها در یک کتابش این‌چنین آورده است؛ و لذا دیگر منابع نیز مدنظر بوده است) (این موضوع در بخش بعد مقاله پیش رو مورد توجه قرار گرفته است)</p>	<p>پاورقی شماره ۳۰</p>	<p>(به گفته مقاله اصلی) محدثان بر صحت تمامی مندرجات کتاب‌های خویش تأکید ندارند. آنان (نویسندگان مقاله) برای اثبات مدعا به مقدمه شیخ صدوق در من لایحضره الفقیه اشاره کرده و از دیگر منابع غافل شده‌اند.</p>	<p>ضعف در منبع‌شناسی و تبیین تاریخ‌نگاری روایی</p>
<p>تنها در میان بیش از ۵۰ مورد نمونه آورده شده تنها</p>	<p>-</p>	<p>به طور عمده منابع حدیثی معتبری مانند الکافی و آثار</p>	<p>ضعف در رتبه‌بندی و</p>

<p>ذیل ۴ ویژگی، از منابع درجه ۱ و درجه ۲ نمونه ذکر شد است (که ارجاعات طرح شده در مقاله نقد به همین موارد برمی گردد). پس به <u>طور عمد</u> عبارتی است که نسبت داده شده است. ضمن آن که ویژگی ها در سراسر مقاله به <u>منابع</u> نسبت داده نشده بلکه به <u>برخی</u> گزاره‌های موجود در این <u>منابع</u> نسبت داده شده است.</p>		<p>شیخ صدوق، هم پایه با منابع درجه دوم و سومی هم چون هدایة الکبری و دلائل الامامة در معرض انواع اتهام ها... قرار گرفته‌اند</p>	<p>معرفی منابع تاریخ‌نگاری روایی</p>
<p>این در حالی است که در هیچ کجای مقاله فعالیت طبری یا دیگر مورخان تأیید نشده است. بلکه تنها در چند مورد مقایسه صورت گرفته و تنها درباره همان موارد محاسن تاریخ‌نگاری طبری آورده شده است.</p>	-	<p>مقاله با تأیید روش تاریخ‌نگاری تاریخ طبری، آن را اصل قرار داده است و کتاب‌های حدیثی را با آن مقایسه نموده است.</p>	<p>ضعف در رتبه بندی و معرفی منابع تاریخ‌نگاری روایی</p>
<p>این در حالی است که در مقاله اصلی به سه کتاب <u>روش پژوهش در تاریخ شناسی، درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ و مبانی نظری و عملی پژوهش در</u></p>	۱۱	<p>مستند مقاله در تعریف نقد بیرونی و درونی، کتاب «درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ» است.</p>	<p>ضعف در ملاک بندی ویژگی‌های درونی و بیرونی</p>

<p>علوم انسانی و اجتماعی ارجاع داده شده و در نهایت نویسنده با توجه به اختلافی بودن بحث تعریف معیار و مورد نظرش را ارائه داده است.</p>			
<p>تاریخ‌نگاری، رویکرد علمی مورخ به داده‌های تاریخی بر مبنای دانش تاریخ و اصول نقد گزاره‌های تاریخی(است). وقایع‌نگاری رویکردی غیرعلمی و غیرحرفه‌ای (در تاریخ‌شناسی) است.</p>	۹	<p>عدم ارائه معنای مقصود از وقایع‌نگاری، تاریخ، تاریخ‌نگاری و اصول و قواعد آن، نقص دیگر مقاله است.</p>	<p>تاریخ‌نگاری روایی و دیگر مفاهیم</p>
<p>فرضیه نوشته حاضر آن است که منابع برجای مانده از تاریخ‌نگاری امامیه ماهیت متفاوتی دارد؛ و ازین رو به دلیل حاکمیت قواعد حدیثی در نگارش تاریخ، تعبیر تاریخ‌نگاری روایی بر آن اطلاق خواهد شد. (بنابراین تأکید شده است که تمام کار مقاله حاضر برای ارائه یک مفهوم جدید یعنی تاریخ‌نگاری روایی است)</p>	۹	<p>لازم بود در مقاله (در مورد مفهوم تاریخ‌نگاری روایی) یا از عبارت دیگری برای بیان مقصود استفاده می‌شد، یا تبیین می‌گردید این ترکیب، اصطلاحی خاص و تعریفی جدید است و از آن معنایی دیگر اراده شده است.</p>	<p>تاریخ‌نگاری روایی و دیگر مفاهیم</p>

<p>(به عنوان شاخصه این تقسیم بندی آمده است): تاریخ‌نگار تمام اعتبار علمی خود را مدیون تلاشی است که درباره گزاره‌های تاریخی مبتنی بر اصول تاریخ‌شناسی انجام می‌دهد. به این اعتبار تاریخ‌نگاری به عنوان رویکردی علمی و حرفه‌ای در مقابل وقایع نگاری که رویکردی غیر علمی و غیر حرفه‌ای است، قرار می‌گیرد.</p>	۹	<p>اکنون این پرسش مطرح می‌شود که مراد از وقایع‌نگاری چیست؟ چگونه بدون ارائه تعریف، شاخصه‌ها یا شواهد دال بر ادعا، به علمی و غیرعلمی یا غیر حرفه‌ای بودن این دو گونه تاریخ‌نگاری حکم شده است؟</p>	خلط مفاهیم
<p>در عنوانی که در مورد <u>تسامح محدثان در شناخت راویان برخی گزاره‌ها</u> سخن به میان آمده، بیش از ۲۰ ارجاع داده شده است؛ و آنچه نویسندگان به عنوان اشکال مطرح کرده اند تنها در مورد ۱ نمونه از نمونه‌های فراوان نقل شده است. بنابراین اشکال ادعا شده در مورد یک نمونه ذیل عنوان فرعی را به کل عنوان فرعی مقاله نسبت داده اند.</p>	-	<p>مقاله درصدد نشان دادن <u>تسامح محدثان در شناخت راویان است</u>، حال آن که به <u>رجال نجاشی</u> ارجاع داده است و توجه نشده است که آثار تراجم، وظیفه معرفی راویان را برعهده دارند.</p>	ضعف در شخصیت شناسی راویان

<p>«برای نمونه می‌توان به روایات فزاری اشاره کرد. وی فردی غالی است که نجاشی و ابن غضائری بر فاسد بودن مذهب وی تأکید کرده‌اند. با این حال روایات وی از سوی شیخ صدوق مورد استقبال قرار گرفته است». بنابراین مشکل آمدن خبر او در کتاب شیخ صدوق به عنوان یک امامی مذهب است نه اینکه مقاله معتقد به امامی بودن فزاری باشد. در اینباره در بخش بعد نکاتی مطرح می‌شود.</p>	۲۰	<p>یکی دیگر از اشتباهات مقاله آن است که ذیل عنوان «عدم توجه به تمایلات فرقه ای راویان»، آنان را به غلو متهم کرده است و به این مطلب دقت نمی‌کند که غالیان از امامیه جدا هستند. بر این اساس درباره فزاری (که فردی غالی است) می‌نویسند:...</p>	ضعف در شخصیت شناسی راویان
<p>این در حالی است که اشکال به چند معجزه نقل شده در منابع به هیچ عنوان به معنی اعتقاد نویسندگان به عدم وجود روایات صحیح در اینباره نیست.</p>	-	<p>(پس طرح شواهد در مورد برخی اخبار معجزات می‌نویسد): بنابراین در منابع روایی یا تاریخی شیعه، روایات صحیح درباره معجزات یا کرامات اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small> وجود دارد.</p>	ضعف در معرفی مقام و کرامات اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small>
<p>۳ نسبت داده شده به مقاله: ۱. در ص ۸ مقاله، شیخ مفید یکی از تاریخ‌نگاران امامیه خوانده شده است و هیچ کجا از کتاب وی به</p>	-	<p>مقاله با بی دقتی در منبع شناسی، الارشاد را کتابی حدیثی تصور نموده است و آن را تخطئه کرده است. در حالی که از طبری به عنوان</p>	ضعف در منبع شناسی و تبیین تاریخ‌نگاری روایی

<p>عنوان کتاب حدیثی یاد نشده است. ۲. کتاب ارشاد به هیچ عنوان تخطئه نشده بلکه تنها چند روایات آن نقد شده است. ۳. هیچگاه و در هیچ کجای مقاله کار طبری به طور کلی مورد تمجید قرار نگرفته بلکه تنها گفته شده وی فلان قاعده را رعایت کرده است.</p>		<p>مورخ تمجید می کند.</p>	
<p>برای اطلاع تفصیلی از شخصیت عبدالعزیز بن یحیی جلودی، آثار وی و دلایل مطرح شده در عدم دسترسی به روایاتش، ر.ک: داداش نژاد، منصور، «تاریخ نگاری شیعیان در سده های نخستین». (بنابراین توجه کامل به این دلایل وجود داشته است)</p>	<p>پاورقی ۳۱ مقاله</p>	<p>مستند دیدگاه آنان (نویسندگان مقاله)، مقاله «...» بوده که در آن آمده «...» اما (در مقاله اصلی) به جمله های بعد این مقاله درباره علت عدم نقل، توجه نشده است.</p>	<p>ضعف در منبع شناسی و تبیین تاریخ نگاری روایی</p>
<p>در مورد خط سوم صفحه ۱۴ که از نفوذ اخبار سخن گفته شده و برای نمونه به روایات غالیان اشاره شده به صفحه ۶۸-۷۴ کتاب دروس فی وضع الحدیث ارجاع داده شده؛ و</p>	<p>پاورقی ۲۹</p>	<p>روایت کشی که در مقاله درباره نفوذ غلو به آن استناد شده است، افزون بر ضعف سندی با دیگر روایات ... ناسازگاری دارد.</p>	<p>ادعای باز آفرینی منفعلانه شیعه در حدیث و ورود اخبار ضعیف</p>

در این صفحات اخبار و تحلیل‌های دیگری هم جز اثر کشی وجود دارد.			
نکته ۱: نظام‌واره حدیث، از نخستین مراحل خود، در بستری شکل گرفت که جلوگیری از نفوذ اخبار ضعیف یا جعلی بسیار دشوار بود. نکته ۲: برای مشاهده دلایل به صفحات ۳۳-۳۸ کتاب «دروس فی وضع الحدیث» ارجاع داده شده است.	۱۴ و پاورقی ۳۳	درباره این ادعا که نظام‌واره حدیث شیعه از ابتدا به گونه‌ای شکل گرفت که مانع ورود اخبار کذب و جعلی نبود، باید گفت که گذشته از این که دلیلی در تأیید آن ارائه نشده است.	ادعای بازآفرینی منفعلانه شیعه در حدیث و ورود اخبار ضعیف

۳. در مقاله نقد در دو مورد، تصویری نادرست از بخش‌های اصلی مقاله؛ یعنی ضرورت

تحقیق و فرضیه تحقیق ارائه شده است.

بخش اصلی	عنوان	عبارت مقاله نقد	صفحه	عبارت مقاله اصلی
فرضیه تحقیق	مقدمه	مقاله ... این فرضیه را مطرح می‌کند که چون روش حدیث‌نگاری با روش تاریخ‌نگاری متفاوت است، آنچه از تاریخ معصومان <small>علیهم‌السلام</small> در کتاب‌های حدیثی باقی مانده، متأثر از این شیوه بوده است.	۹	فرضیه نوشته حاضر آن است که منابع برجای مانده از تاریخ‌نگاری امامیه ماهیت متفاوتی دارد؛ و ازین‌رو به دلیل حاکمیت قواعد حدیثی در نگارش تاریخ، تعبیر

تاریخ‌نگاری روایی بر آن اطلاق خواهد شد.				
گونه‌شناسی منابع تاریخ‌نگاری روایی و شناخت ویژگی‌های آن‌ها، تأکیدی بر لزوم ارزیابی سندی، متنی و روشی گزاره‌های تاریخی کتب و مجامع حدیثی است؛ زیرا راستی آزمایی این گزاره‌ها از طرفی سبب پالایش برخی گزاره‌های نادرست این کتب خواهد بود و از سوی دیگر موجب بازشناسی آثار ارزشمند تاریخی در این حوزه می‌شود... (همچنین) محقق سیره معصومان <small>علیهم‌السلام</small> ، با شناخت ویژگی‌های	۹	(از قول مقاله پس از طرح فرضیه غلط یاد شده، آمده است:) بنابراین، ضروری است حدیث‌نگاری محدثان و روش‌های آن شناسایی شود و با این نگاه به بازنگری اخبار تاریخی آنها توجه گردد تا از تأثیر ناخواسته شیوه حدیث‌نگاری بر ذهنیت تاریخی مراجعان این آثار جلوگیری شود.	مقدمه	ضرورت تحقیق

تاریخ‌نگاری روایی امامیه، نقد و تحلیل جامع‌تری را از داده‌های تاریخی این کتب ارائه خواهد کرد.				
--	--	--	--	--

۴. مواردی که ناقدان، نسبت‌های ناصحیحی را از جانب مقاله اصلی به شیعیان ائمه علیهم‌السلام، محدثان بزرگ شیعه و آثار ارزش‌مند آنها طرح کرده اند، اما هیچ یک از این عبارات یا عبارتی که چنین رویارویی و تقابلی را نشان دهد در مقاله اصلی دیده نمی‌شود.

عبارات نسبت‌های داده شده در مقاله نقد	صفحه	عبارات نسبت‌های داده شده در مقاله نقد	صفحه
بازآفرینی <u>منفعلانه شیعه</u> در حدیث و...	۲۲	تضعیف محدثان شیعه در شیوه اسناد دهی	۱۳
منابع حدیثی شیعه را <u>زیر سوال می‌برد...</u>	۳۲	به صرف مشاهده گرایش یک راوی نمی‌توان روایات او را دور ریخت.	۱۵
<u>خرده‌گرفتن</u> از تاریخ‌نگاری روایی...	۳۲	(مقاله) آن (کتاب ارشاد) را <u>تخطئه کرده است.</u>	۱۸
		(فلان مطلب) تاریخ‌نگاری روایی یا حدیثی شیعه را <u>زیر سوال برده است.</u>	۲۲

۵. مواردی که در مقاله اصلی به عنوان متن یکی از منابع متقدم و تنها برای استفاده از بخشی از آن به عنوان یک شاهد آورده شده است اما در مقاله نقد، به عنوان دیدگاه نویسندگان مقاله اصلی نقد گردیده است.

عبارت مقاله نقد	عنوان
«وقتی از نامی پرتکرار در اسناد اخبار پرسیده می‌شود، راوی پاسخ می‌دهد وی مردی بود که از آسمان فرود آمد و پس از نقل احادیثی	ضعف در

<p>به آسمان بازگشت.» (در ابتدای این جمله در متن اصلی مقاله آمده : <u>در خبر دیگری</u> وقتی از نامی پرتکرار.../بنابراین به اینکه این جمله از منبع دیگر نقل می شود تصریح شده است).</p>	<p>شخصیت شناسی راویان</p>
<p>«برخلاف ادعای مقاله درباره کثرت روایات عماره بن زید، تنها شش روایت از او در کتاب های مهم شیعه نقل شده است که برخی از آنها تکراری است.» (این راوی، همان شخصی است که در جمله بالا درباره او پرسیده شد و گفتند او از آسمان فرود آمده است. در حالی در این جمله ادعایی به مقاله نسبت داده می شود که مقاله پرتکرار بودن اخبار او را دارد از متن یک خبر در یک منبع دیگر نقل می کند).</p>	<p>ضعف در شخصیت شناسی راویان</p>

۶. در پایان باید به مفاهیم منسوب به مقاله اصلی که بر اساس آنها، نقدهای فراوانی در جای جای مقاله نقد مطرح شده است، اشاره نمود. برای نمونه در حالی از مفاهیمی چون آثار حدیثی، منابع حدیثی، تاریخ‌نگاری منابع حدیثی و احادیث تاریخی برای تبیین مقاله اصلی استفاده شده است که این مفاهیم هیچ‌گاه در مقاله اصلی استفاده نگردیده است.

ج. محوریت یافتن پیش داوری ها در مقاله نقد

به نظر می رسد، نویسندگان محترم مقاله نقد با پیش داوری به مطالعه و نقد مقاله اصلی پرداخته اند؛ زیرا ورود به مباحثی مانند تاریخ‌نگاری روایی امامیه، می‌تواند در صورت عدم توجه به مباحثی چون جایگاه والای محدثان شیعه، شرایط زمان ایشان، جایگاه و ابعاد فراتاریخی شخصیت ائمه علیهم‌السلام، زمینه ای برای ضربه زدن به باورهای ارزشمند و شخصیت‌های گران‌قدر شیعه گردد.

ناقدان با تأکید بر چهار مبنای خود، اصل را بر عدم قبول این مبانی در مقاله اصلی دانسته اند و به جای نقد ارکان و استدلال‌های مقاله اصلی به برداشت‌های خود بر اساس این پیش داوری‌ها پاسخ داده اند. پیش داوری‌هایی که حتی با عبارتهایی بسیار نزدیک به موارد پیش رو و به طور صریح در لابه لای مباحث قابل مشاهده هستند.

۱. محدثان شیعه روش کار متفاوتی نسبت به مورخان دارند و در بهره‌گیری از این روش‌ها برای نقل خبر، ضعیف‌تر از مورخان عمل نکرده‌اند.
- همین امر سبب شده است، نویسندگان اصل را بر این گذارند که مقاله در جهت تضعیف محدثان نسبت به مورخان بوده است. برای نمونه:
- الف. نخستین اشکالی که پس از طرح مقدمه در مقاله نقد بدان توجه شده است «خلط روش‌های تاریخ‌نگاری جدید با تاریخ‌نگاری گذشتگان» در مقاله اصلی است و این‌که نباید انتظار روش‌های جدید علم تاریخ را از محدثان داشت.
- این موضوع به دلیل عدم توجه ناقدان محترم به رویکرد و هدف مقاله اصلی است؛ زیرا آنچه در مقاله اصلی دنبال شده است، حرکت به سوی میزان کارآمدی منابع تاریخ‌نگاری روایی در تاریخ ائمه علیهم‌السلام بر اساس معیارها و روش‌های موجود در علوم چون تاریخ است. بنابراین، اشکالی در مقاله اصلی بر محدثان متقدم امامیه وارد نشده است.
- مقاله اصلی به دنبال طرح این موضوع است که اگر در شرایط فعلی، محققان تاریخ برای بهره‌گیری از منابع به میزان پای‌بندی محدثان به برخی معیارها و روش‌های علمی توجه نداشته باشند، سبب بروز خلل در مطالعات ایشان خواهد بود.
- ب. نویسندگان مقاله تأکید دارند که روش کار مورخ و محدث متعدد است و دلیلی ندارد که با پذیرش اهمیت عناصر تاریخی چون زمان، مکان، شخصیت و رویداد یا توجه به رخدادها و فرایندها در تاریخ‌نگاری به دنبال این ویژگی‌ها در کار محدثان بود.
- باید گفت که با پذیرش این تفاوت، هدف نهایی مقاله اصلی؛ یعنی ضرورت توجه محققان به تفاوت شیوه کار محدثان و مورخان و تأثیر روش محدثان در گزارش‌های تاریخی محقق شده است و به هیچ وجه در این موضوع اشکالی متوجه شخص محدثان نگردیده است تا نویسندگان مقاله نقد در مقام دفاع از آنان برآیند.

برعکس تلاش شده است با نشان دادن شرایط عصر ایشان، بر ارزش فعالیت آنان تأکید نماید.^۱ امری که ما را از نقد و بررسی آثار ایشان باز نمی‌دارد.

ج. از جمله اشکال‌هایی که بارها در مقاله نقد تکرار شده است آن است که با وجود قبول برخی ویژگی‌های مطرح شده برای تاریخ‌نگاری روایی در مقاله اصلی، این پرسش به وجود می‌آید که چرا این موارد درباره کتاب‌های تاریخی چون تاریخ طبری مطرح نمی‌شود؟

این در حالی است که مقصود مقاله اصلی از مقایسه میان آثار محدثان و مورخان، تنها نشان دادن برخی ابعاد ماهیت متفاوت تاریخ‌نگاری محدثان است. عنوان مقاله، مقایسه میان دو نوع از تاریخ‌نگاری و نشان دادن برتری یکی بر دیگری نیست. بلکه تنها در چند مورد جزئی به منظور نشان دادن برخی ابعاد ماهیت متفاوت تاریخ‌نگاری محدثان به مقایسه برخی اخبار این منابع با منابع تاریخی چون تاریخ طبری پرداخته شده است. این امر روشن است که هیچ دلیلی برای درستی تمام آثار مورخان و یا صحیح‌تر بودن گزارش‌های ایشان نسبت به اخبار محدثان بزرگی، چون شیخ صدوق وجود ندارد.

۲. در منابع و اخبار شیعیان، روایت‌های صحیح درباره معجزات و کرامات اهل بیت علیهم‌السلام

وجود دارد.

این امر سبب شده است در مقاله نقد، با حذف و اضافه در عبارات مقاله اصلی، بخش ویژه‌ای با عنوان «ضعف (مقاله اصلی) در معرفی مقام و کرامات اهل بیت علیهم‌السلام» بررسی شود. مقاله نقد در همین راستا، وقتی مقاله اصلی به «نقض غرض با نقل بیش از حد معجزات و ضررهای جای‌گزین نمودن اخبار معجزات با نقل روایاتی که به شخصیت انسانی امام علیهم‌السلام و جنبه الگویی آن» می‌پردازد، این موضوع را حمل بر عدم قبول تمامی

۱. همان، ص ۱۲، ۱۳، ۱۴.

اخبار معجزات به وسیله مقاله اصلی کرده است و در پایان می‌افزاید که عمومیت دادن به فاقد اسناد معتبر بودن بیشتر روایات، ادعایی غیرعالمانه و برخورداردی کلی و سطحی است. جالب است که حتی با طرح روایتی از معجزات در مقاله اصلی و نقد آن به عنوان مخالفت متن خبر با عقل، مقاله نقد به طور مستقیم به پیش داوری پرداخته است. این موضوع را به معنای قبول نداشتن اصل معجزات پنداشته است و در همین راستا به برخی از آیات قرآن کریم درباره معجزات پیامبران استدلال کرده است.

۳. محدثان شیعه متأثر از رویکرد کلامی خویش هستند اما این سبب ضعف ایشان نیست.

چنان‌که مورخان غیر شیعه باورهای کلامی خود را در قبول یا رد اخبار دخالت می‌دهند.

یکی از مباحث مهمی که نویسندگان مقاله در صدد دفاع از آن بودند و از این رو، بدون هیچ مناسبتی در بخشی با عنوان «ادعای تأثیر تفکرات کلامی بر تاریخ‌نگاری روایی» به آن می‌پردازند، این است که اصل این تأثیر پذیری صحیح است اما اشکالی بر محدثان مترتب نیست.

این درحالی است که مقاله اصلی، پنج بار از عبارت کلام استفاده کرده است و در هیچ کدام از موارد به این موضوع اشاره ننموده است. سخن مقاله اصلی این بوده است که محدثان بر اساس دیدگاه‌های کلامی عصر خود و برای پاسخ دهی به شیعیان یا انگیزه‌های کلامی دیگر، گزینش اخبار را در دستور کار قرار داده‌اند و این امر در استفاده محققان از آثار ایشان از جهت کمی و کیفی تأثیر داشته است. بنابراین در مقاله اصلی، خدشه‌ای نسبت به عمل محدثان مطرح نشده است.

ناقد با نگاه پیش‌داورانه، وقتی در مقاله اصلی سخن از نگاه دوگانه به منابع اهل سنت در برخی منابع و اخبار محدثان امامیه می‌شود و این که در مواردی تنها به نقل اخبار مورد قبول خود از اهل سنت می‌پرداختند، در مقاله نقد تأکید می‌کند که این اقدام منطقی و معقول است و اشکالی بر آن وارد نیست. این درحالی است که هدف مقاله اصلی آن

است که نشان دهد، محققان در شرایط فعلی باید به این رویکرد شایع در بین برخی محدثان و آثار آن توجه کنند.

۴. محدثان به عقل به عنوان یک معیار و ابزار در نقد علمی توجه داشته‌اند و از این رو با برخی از اهل حدیث و غالیان برخوردی شدید داشتند.

موضوع دیگری که نویسندگان مقاله نقد به آن توجه ویژه دارند و با عنوان «ادعای ناسازگاری داده‌های تاریخی با عقل» به آن پرداخته‌اند. ایشان بدون آن که دلیلی برای پرداختن به اصل موضوع باشد به تفصیل از اختصاص یک یا چند باب به وسیله محدثان به موضوع عقل در کتاب‌های حدیثی یا استفاده آنها از عقل برای دفاع از اعتقادات یا اخراج برخی غالیان به وسیله محدثان به دلیل افراط‌گرایی در نقل حدیث پرداخته‌اند. این درحالی است که اصل توجه به عقل در این موارد، در مقاله اصلی بوده است. آنچه در مقاله اصلی تأکید می‌شود، بی‌توجهی بیشتر محدثان مکتب قم به عقل به عنوان ابزاری مستقل برای بررسی اخبار بر اساس کتاب مکتب حدیثی قم است. حتی از این موضوع، سخن به میان آمده است که مقصود از توجه به عقل، بهره‌گیری از آن در اثبات اعتقادات نیست.

هم‌چنین با توجه به سخنی از مسعودی در *مروج الذهب* درباره عقل و تخصصی بودن تاریخ‌نگاری تأکید شده است که تکیه به حدیث در کار برخی محدثان سبب در انزوا قرار گرفتن مبانی دیگر علوم شده است. جالب است که مقاله نقد، در عنوان «ادعای عدم توجه محدثان به عناصر تاریخی» به نقش مسعودی در توجه به تفکر انتقادی اشاره کرده است. بنابراین معنای مورد پذیرش در مقاله اصلی درباره عقل روشن بوده است، اما ناقدان به جای پرداختن به اصل موضوع وارد معانی دیگر عقل و بهره‌گیری محدثان از آن شده‌اند. مهم‌ترین آسیب این موارد، محوریت یافتن پیش‌داوری‌ها و فراموشی مسئله تحقیق در مقاله و جزییات آن است که سبب طرح اشکال‌های دیگری به وسیله نویسندگان مقاله نقد شده است. برای نمونه، با عنوان «ضعف در رتبه‌بندی و معرفی منابع تاریخی» این

پرسش را در دو عنوان مطرح می‌کنند که چرا از گزارش‌های کتاب/ارشاد برای نقل شواهد در مقاله اصلی استفاده می‌شود؟ و تأکید می‌نمایند که این کتاب، اثری تاریخی است و نه حدیثی و در عنوان «ادعای عدم توجه محدثان به عناصر تاریخی» از شیخ مفید به عنوان شخصیتی حدیثی یاد می‌کنند.

هم‌چنین، با عنوان «ضعف در منبع شناسی و تبیین تاریخ‌نگاری روایی» این پرسش را طرح می‌کنند که چرا از کتاب *من لایحضره الفقیه* شواهدی مطرح شده است، درحالی که این کتاب فقهی است؟ اما با عنوان «ادعای ناسازگاری داده‌های تاریخ با عقل» از شیخ صدوق به عنوان یکی از محدثان مکتب قم یاد می‌کنند. به نظر می‌رسد در مقاله نقد از این موضوع غفلت شده است که مسئله مقاله اصلی، چنان‌که در چکیده این مقاله به تصریح آمده است، چیستی و چگونگی تأثیر رویکرد ها و روش‌های محدثان در گزاره‌های تاریخی است نه منابع تاریخی.

ج. موارد قابل قبول یا قابل بررسی بیشتر درباره مقاله اصلی

در سه بخش و با عنوان‌های «بی‌دقتی در نقل و استناد به گزاره‌ها» و «ارجاعات و ترجمه‌های غلط» در مقاله نقد، برخی اشکال‌ها صحیح است که اصلاح در دو مورد درباره جابه‌جا شدن ارجاع مقاله اصلی، یک مورد درباره ترجمه واضح‌تر متن و یک مورد درباره تغییر شاهد کامل‌تر را برای تکمیل مقاله اصلی ضروری می‌نماید.

هم‌چنین، پرداختن به مباحثی درباره روش‌گزینش احادیث به وسیله محدثان، جایگاه و نقش هر یک از مباحث کلامی و حدیثی در شکل‌گیری تاریخ‌نگاری روایی امامیه، پرداختن به موضوعات مورد توجه محدثان در تاریخ ائمه علیهم‌السلام به صورت کمی، میزان اطلاع و تسلط محدثان بر فعالیت‌های مورخان و بررسی تطبیقی مراتب سه‌گانه تاریخ‌نگاری روایی از اندک موضوعاتی است که می‌تواند به تکمیل بحث تاریخ‌نگاری روایی امامیه کمک کند.

نتیجه

ساختار مقاله نقد			
✓	✓	✓	۱. مقدمه
■	✓	✓	۲. اشکال‌های ساختاری و روشی
■	✓	✓	۳. بررسی و نقد محتوایی
■	✓	✓	۱-۱. خلط روش‌های تاریخ‌نگاری جدید با تاریخ‌نگاری گذشتگان
✓	✓	✓	۱-۲. خلط مفاهیم
✓	✓	✓	۲-۱. ضعف در رتبه‌بندی و معرفی منابع تاریخی و تاریخ‌نگاری روایی
✓	✓	✓	۲-۲. ضعف در ملاک‌بندی ویژگی‌های درونی و بیرونی
✓	✓	✓	۳-۱-۱. تاریخ‌نگاری روایی و دیگر مفاهیم
✓	✓	✓	۳-۱-۲. خلط مفاهیم
✓	✓	✓	۳-۲-۱. عدم تناسب عناوین با شواهد
✓	✓	✓	۳-۲-۲. ضعف در شخصیت‌شناسی راویان
■	✓	✓	۳-۲-۳. ضعف در معرفی مقام و کرامات اهل بیت (ع)
*	■	✓	۳-۲-۴. تناقض‌گویی و بی‌دقتی در نقل و استناد به گزاره‌ها
✓	✓	✓	۳-۲-۵. ضعف در منبع‌شناسی و تبیین تاریخ‌نگاری روایی
■	✓	✓	۳-۲-۶. ادعای برخورد دوگانه شیعه با منابع اهل سنت
■	✓	✓	۳-۲-۷. تضعیف محدثان شیعه در شیوه اسناد‌دهی و نقل روایات متناقض
✓	✓	✓	۳-۲-۸. ادعای بازآفرینی منفعلانه شیعه در حدیث و ورود اخبار ضعیف
■	✓	✓	۳-۲-۹. ادعای تأثیر تفکرات کلامی و حدیثی بر تاریخ‌نگاری روایی
■	✓	✓	۳-۲-۱۰. ادعای عدم توجه محدثان به عناصر تاریخی
■	✓	✓	۳-۲-۱۱. ادعای ناسازگاری داده‌های تاریخی با عقل
*	✓	✓	۳-۲-۱۲. ارجاعات و ترجمه‌های غلط

چنانکه در تصویر پیش رو قابل مشاهده است، در ۱۲ مورد از عناوین مقاله نقد از عباراتی استفاده شده که برخلاف متن مقاله اصلی بوده و اشکالات در این بخش‌ها مبتنی بر تقریری نادرست از مقاله اصلی است. موضوع مهم دیگر، ۴ پیش‌داوری محوری یافته در مقاله نقد است که بیش از همه خود را در ۱۰ مورد از عناوین مقاله نقد نشان داده است. به هر ترتیب بخشی از چهار مورد از اشکالات جزئی در مورد ارجاع یا استناد صحیح می‌نماید که ذیل دو عنوان مطرح شده است. در مجموع می‌توان اقتضای همگرایی ژرف نگرانه در باب تاریخ‌نگاری روایی امامیه را دستاورد مقاله اصلی و مقاله نقد دانست؛ و اکنون با اطمینان بیشتری از ابعاد این مقوله سخن به میان آورد.

